

بررسی و خوانش شهرسازی و معماری معاصر در دوره پهلوی دوم

به طور کلی معماری و تحولات معماری زمینه ای گسترده در تمام شاخص های حیاتی شهرهای امروز نظیر شاخص های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی دارد که این نشان از اهمیت مقوله معماری در شهرهاست...

سایت خبری پرسون- به طور کلی معماری و تحولات معماری زمینه ای گسترده در تمام شاخص های حیاتی شهرهای امروز نظیر شاخص های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی دارد که این نشان از اهمیت مقوله معماری در شهرهاست، دوره پهلوی دوم نقطه قوتی در معماری ایران می باشد که با تحولات زیادی رو به رو گشته است. بررسی شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این سال ها در ایران و عوامل تأثیرگذار از لحاظ اهمیت و دیدگاه نویسندگان تنظیم و تحلیل شده که در پایان گرایش کلی زمینه های معماری معاصر ایران را با توجه به تأثیرگذاری این عوامل معرفی نماید. لازم به ذکر است که انطباق دوره معماری با دوره سیاسی صرفاً یک تفکیک اعتباری است.

جریان تولید یک گرایش داخلی در معماری یک کشور یا اقتباس از رویکردهای مطرح در سرزمین های خارجی در شکل دادن به محیط معماری و شهرسازی هر سرزمین علی رغم وجود شباهت های کلی و پیروی از مدل و الگوهای تطبیق یافته، دارای تفاوت ها و خصوصیات منحصر به فردی است. این تفاوت ها و تشابهات متأثر از عوامل پس زمینه اجتماعی و سیاسی و ریشه های فرهنگی و تاریخی سرزمین هاست. به عقیده ایلهان تکلی (۱۳۹۰، ۲۰۰۵) Tekeli (شناخت مزیت ها و کاستی های تولید چنین گرایش هایی و دست یابی به چهارچوب نظری در شناخت معماری و شهرسازی هر کشور بدون انجام تحلیل های مشابه در مورد کشورهای پیرامونی امکان پذیر نیست) (کالینز، ۱۳۷۵: ۲۱). در تقسیم بندی تاریخی این دوره بر مبنای تحولات اجتماعی و سیاسی و جریان های معماری سه دوره مشخص و مقارن با یکدیگر در ایران و شناسایی شده و معرفی شده است.

با ورود عناصر معماری مدرن به ایران، می توان تغییرات وسیعی در سبک شهرسازی معاصر این دوره مشاهده نمود. این تغییرات تدریجی بوده و ریشه های آن به اواخر دوره قاجار بر می گردد. با پیروزی انقلاب مشروطه، تحول عظیم فرهنگی، اجتماعی و... در جامعه ایران رخ داد، این اتفاقات را می توان یکی از مصادیق شروع تحول در روند زندگی ایرانیان دانست. آنچه در دوران قاجار شاهد شکل گیری آن بوده ایم، ظهور اشکال فرنگی در جوار فرم های ایرانی است که اغلب روشنفکران معاصر آن را "التقاط" می خوانند. تغییر در ساختار فضایی و ارتباطی ساختمان های جدید مانند پلان ساختمان، تلفیق عناصر، اشکال معماری اروپایی با معماری بومی و استفاده از مصالح ساختمانی همراه با تکنولوژی جدید ویژگی عمده معماری این دوره بوده است. احداث بناهای عمومی جدید که نیاز اصلی این دوره محسوب می شد صورت معماری را متحول کرد. عوامل تأثیرگذار در معماری دوره ۱۳۵۷-۱۳۲۰..ش، جنبه نوآوری داشته و با جهت دادن مسئولان حکومت وقت به آن ها طی چند دهه به صورت وسیع رواج یافت. حال این عوامل چگونه در روش و منش معماران تأثیر گذاشت و تا چه اندازه موفق به تغییر محتوای معماری ایران شد؟ پژوهشگران نظرات متفاوتی دارند. اما در مجموع می توان گفت، معماری این دوره تغییر اساسی در طرز تفکر معماران داخلی، عملکرد و تکنولوژی ساخت، ایجاد کرد که دیگر رفته رفته معماری ایرانی با گذشته خود فاصله بسیار گرفت. این فاصله از نظر برونگرایی، عملکردی و بلند مرتبه سازی اقدام جدیدی بود که تا آن زمان توان ساخت اینچنین بناهایی در ایران وجود نداشت. تأثیر درآمدهای نفتی و اشتیاق غربی ها برای سرمایه گذاری در آن و دیگر عوامل تأثیرگذار، توانایی های بالقوه ایرانیان را به محاق برده و معماری درونگرایی ایرانی جای خود را به معماری برونگرا با نگرش به سوی معماری مدرن که یک جریان بسیار قوی زمان خود بود داد. وسعت، گستردگی و اهمیت این تغییرات به گونه ای است که شاید نتوان در یک مقاله محدود به همه ابعاد و جوانب گوناگون آن پرداخت.

معماری معاصر ایران:

تحقیق آکادمیک درباره معماری ایران، پدیده ای است که همزاد مدرنیزاسیون است و اصول رویکرد به آثار قدیمی به عنوان عناصر واجد ارزش ذاتی (غیرکارکردی) در ایران، از این تاریخ دورتر نمی رود. این آغاز که نسبت به همتایان غربی خود، با حدود چهار قرن تأخیر همراه بوده است، تبعاتی در ادامه مسیر این پژوهش ها در ایران داشته که باید مورد نظر قرار گیرد. در اروپا، رویکرد تاریخ نگارانه از دوران رنسانس و رجوع به می و ترسیم کروکیها، با نگرشی الگوگیرانه از گذشته به ثبت آثار می پردازند (۲۰۰۵، ۲۷) Mallgrave و در گذر زمان، موضوع به امر تاریخی و باستانشناسانه و سپس به نقد و انتقاد در دوران مدرن تبدیل می شود و مسیرهای بررسی آن از هم جدا می گردد؛ بازگشت به ارائه تحلیل تسلسلی از تاریخ معماری مدرن با دوران ماقبل آن، تا هنگام ظهور پست مدرنیسم به تأخیر می افتد در خلال این چهار سده، رویکردهای تحلیلی مختلف در نقل و نقد تاریخ معماری ظهور می کند و در ایران، هنگامی موضوع مطرح می شود که برای غربی ها، روند بررسی معماری های گذشته، به صورت امر تاریخی، راه خود را از گزارش های توصیفی مدرن جدا کرده است. پذیرش این انفصال، به یک ویژگی ساختاری در تحقیقات تاریخ معماری بدل شده است؛ به نحوی که تبارشناسی موضوع مورد بحث در دو عرصه جداگانه قابل پیگیری است:

ادبیات تاریخ معماری به طور کلی

ادبیات تاریخ معماری مدرن

بنا به اعتقاد صاحب نظران؛ "سیاست، اقتصاد و فرهنگ تأثیر مستقیمی در اداره امور یک کشور داشته و خواهد داشت. معماری این دوره ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است در سال ها تغییر و تحول های عمده و بنیادی در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران رخ داده که متعاقب آن تأثیرپذیری های گوناگون و کم سابقه در معماری ایران را شاهد هستیم. به نظر می رسد اواخر دوره قاجار و دوران حکومت رضاخان از نمونه های بارز بر این مدعا باشد. بعد از جنگ جهانی دوم نیاز شدیدی به بازسازی کشور احساس می شد، در این زمان دول اروپایی مشغول ترمیم خرابی های ناشی از جنگ در کشورهای خود بودند. دکتترین ترومن که برای کمک اقتصادی و نظامی به کشورهای اروپایی برای مقابله با گسترش کمونیسم در اروپا مطرح شده بود توسط پلان مارشال به اجرا درآمد که ریشه های اصلی وابستگی سیاسی و اقتصادی اروپا به آمریکا نیز از همین جا نشأت می گیرد. کشور از تمام جهات آموزشی، تکنولوژی و بسیاری موارد دیگر وابسته به غرب بود و تنها این روش، رجال وابسته به غرب را راضی و قانع می نمود، در صورتی که در میان جامعه روشنفکر و حوزه این روش به معنای بیگانگی از خود به شمار می رفت. روشنفکران، این نوع حکومت و اختناق بر جامعه و وابستگی آن را برنمی تافتند و شروع به نشان دادن اعتراضات خود با روش های مختلف در قالب کارهای هنری و ادبی و نظایر آن نمودند. افرادی چون دکتر علی شریعتی، و دکتر سید حسین نصر و دیگر اندیشمندان از نحل های مختلف آن زمان، دل سپردن به غرب را در شأن ملت بزرگ ایران با پیشینه تمدن طولانی خود نمی دانستند. مطالب این روشنفکران در تمام ابعاد جامعه نسبت به فراخور آنان تأثیراتی داشت که معماری نیز از این مقوله جدا نبود. فرهنگ پر زرق و برق و برقی غربی جامعه ایرانی را به خود مشغول کرده و این تنها ایران نبود که دل سپرده فرهنگ وارداتی شده بود بلکه تمام کشورهای جهان سوم به نوعی دچار این خودباختگی شده و از گذشته خود فاصله گرفته و با سرعتی شتاب زده به دنبال نوگرایی و تجدیدگرایی به معنای غربی بودند. اگرچه در دوره پهلوی دوم، نوگرایی در هنرهای معاصر ایران ایجاد یکسری آشفته بازار کرده بود اما اساتید و روشنفکران مطرح، نقاشی، موسیقی، شعر و دیگر هنرهای معاصر همگی سعی بر آن داشتند که فرهنگ بومی ایران را به نوعی با نگاهی به هنرهای مغرب زمین غنا بخشند و موجب ارتقا هنرهای بومی ایران گردند.

در این سالها هنرمندان ایرانی که دل در گرو فرهنگ بومی خود داشتند توانستند مکتب سقاخانه را پای هریزی کنند. نقاشی قهوه خانه نیز بر خالف جریان های نقاشی آکادمیک و نگارگری جدید، خارج از حوزه هنر رسمی رشد کرد و بارزترین جلوه هایش را در عصر پهلوی به نمایش گذاشت. کاریکاتور اگر چه در این زمان هنری نوپا بود اما از جمله هنرهایی بود که در تغییر فرهنگی و اجتماعی آن دوران تأثیر خود را آشکار کرد، به طوری که مردم عادی نیز می توانستند آن را درک و با آن ارتباط برقرار نمایند. از افراد شناخته شده چون کامبیز درم بخش، امین ا... بیضایی و... اشاره نمود. از هنرهای دیگری که در این زمان رشد زیادی کرد و تقلید از آثار اروپایی به شدت در آن رواج یافت، هنر سینما است که از پدیده های فناوری معاصر است. هنر سینما در عهد پهلوی دوم کوشید که در فرنگی کردن فرهنگ عمومی گام بردارد. سینمای این دوره به خاطر سیاست دولت ها و دلبستگی دولتیان به فرهنگ غرب بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یک رسالت سیاسی را دنبال می کرد تا هنری. این رسالت چه از نظر پوشش مردم و چه از نظر روش زندگی، رفتارهای غربی را رواج میداد. سینمای ایران در سال های ۱۳۵۷-۱۳۲۰..ش. یک حرکت رو به پیشرفتی از نظر کسب تجربه را داشت که شاید بتوان گفت آثار آن بعد از دهه ۵۰ و ادامه آن در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ظهور پیدا کرد. از دهه چهل به بعد شکل گیری سبک های معماری ایران، تحت تأثیر درآمدهای نفتی و برنامه های عمرانی دولت قرار گرفت و ساخت و ساز بخش دولتی و خصوصی به کمک پولهای نفتی سرشار، رواج یافت و روند توسعه آن بیشتر گردید و سبب شد که این دو بخش از جامعه به تولید انواع سبک های معماری مانند معماری سبک مدرن، سبک بین الملل، معماری بوم گرا و نظایر آن بپردازند. بدین صورت تغییر وضعیت معماری ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در کشور به خصوص گسترش شهر تهران در مناطق یوسف آباد، عباس آباد و بسیاری مناطق دیگر مشاهده نمود. آثار ماندگار شهرسازی و معماری در زمان های مختلف و در کشور های گوناگون برخاسته از توجه و آگاهی دولت مردان وقت و یاری و حمایت فرهیختگان آن کشورها بوده است. لذا خلق آثار معماری همواره محصول مشترک افکار و ایده های معماران و کارفرمایان بوده و این دیدگاه مشترک بی شک تأثیر به سزایی در خلق آثار معماری این دوره داشته است. از جمله این کارفرماها فرح دیبا بود. فرح به عنوان یک کارفرمای آگاه بر معماری روز بعد از ازدواج با شاه دفتر مخصوصی تأسیس نمود که بیشتر کارمندان آن زن بودند، دفتر ایشان در زمینه هنری و بعضی از طرح های عمرانی و معماری فعالیت داشت. رشته تحصیلی فرح یعنی معماری در حساس بودن او در برخی فعالیت های هنری و معماری مؤثر بود.

بنیاد پهلوی و به ویژه دفتر مخصوص فرح در برخی از طرح های معماری و شهری دخالت هایی داشتند، از جمله می توان به نقش آن در سفارش برخی از طرح های معماری به بعضی از معماران از جمله به کامران دیبا و نادر اردلان و حمایت از آنان اشاره کرد. برای مثال درباره طرح تخریب بافت اطراف حرم حضرت امام رضا(ع) در مشهد گفته شده است که کامران دیبا توانست با جلب حمایت دفتر مخصوص فرح و پشتیبانی دانشگاه تهران چند مرتبه تخریب آن را به تعویق بیندازند.

همکاری کامران دیبا و نادر اردلان با دفتر مخصوص دست آن ها را در اجرای طرحشان باز می گذاشت تا به هدفی که معماران طراح در به وجود آوردن سبک معماری جدید که نگاهی به گذشته معماری ایران زمین داشت برسند. اینگونه نمونه ها نشان از تأثیر متقابل کارفرما بر معمار و بالعکس و نمایان شدن تأثیر آنان در معماری آن دوره داشت. در دوران محمدرضا پهلوی برنامه های عمرانی با همکاری ابوالحسن ابتهاج رییس بانک جهانی و بنیانگذار سازمان برنامه و بودجه کشور و صفی اصفیا طراحی می شد. برنامه عمرانی اول تا پنجم بین سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۸..ش. اجرا شد و برنامه عمرانی ششم برای سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ ه..ش. نوشته اما اجرا نشد. سازمان برنامه و بودجه از دیگر مراکزی بود که در این دوره تأسیس و شروع به تنظیم قوانینی در رابطه با شرکت های ساختمانی و دفاتر مهندسی مشاور برای فعالیت در کشور می نمود. این حرکت، مهندسین معمار را در دفاتر مشاور برای کارهای گروهی آماده کرد اما به علت کافی نبودن افراد متخصص چنین ساماندهی بی سابقه بود. این امر خود نقش بسزایی در پیشبرد صنعت ساخت و ساز در بناهای بزرگ کشور ایفا نمود. متخصصین ایرانی به علت نداشتن تجربه در اداره امور مشاور و پیمانکاری، در اوایل می توانستند با متخصصین خارجی به صورت اشتراکی اقدام به ایجاد مشاور کنند. نحوه انتخاب مهندسین مشاور و تقسیم کار که معمول بدون هیچ گونه مسابقه ای انجام می پذیرفت، نوعی تدبیر و روش انحصاری در اجرای کارهای بزرگ دولتی و نیمه دولتی به وجود آورده بود

معماری ایران در سال های ۱۹۸۰-۱۹۴۰

در حوزه آموزش معماری آغاز دوره پهلوی دوم در شهریور ۱۳۲۰ مصادف است با آغاز کار جدی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که در سال ۱۳۱۸ تأسیس شده بود. بدین ترتیب روند آموزش معماری در ایران به روش مدرسه معماری بوزار فرانسه آغاز می شود. همچنین طی این سال ها در فضای

باز سیاسی پدید آمده و گسترش انتشار مجالت و با توجه به توسعه جامعه معماران در ایران مجله "آرشیکت" در سال ۱۳۲۵ به انتشار می رسد. در این دوره از عوامل تغییر نگرش در برخورد با مصالح و تکنولوژی ساختمان می توان به دو عامل اشاره کرد.

نگاه مدرنیستی که معماران را به سمت ساده سازی نماهای بیرونی و اجزای درونی سوق می دهد.

لزوم ساخت و سازهایی سریع و ارزان. لذا برای مقابله با بحران جمعیت در مراکز شهری، تکنولوژی حاصل، زمینه پیدایش نوعی از بناها را فراهم میکند که دارای احجامی قوطی شکل با سقف طاق ضربی هستند که به مدد تیرآهن و آجر اجرا شده و این روند در سال های آینده تداوم و تکامل می یابد.

سال های میانی ۱۳۴۲-۱۳۳۲

پس از تأسیس دانشکده هنرهای زیبا رویداد دیگری در عرصه معماری در سال ۱۳۳۹ رخ داد که تأسیس دومین دانشکده معماری ایران در دانشگاه ملی شهید بهشتی کنونی بود. نظام آموزشی حاکم بر دانشگاه ملی که از آغاز با حضور اساتید فارغ التحصیل ایتالیا همراه بود با روند آموزش در مدرسه هنرهای زیبای تهران تفاوت چشمگیری داشت. سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ سال های بروز و گسترش معماری مدرن به سبک بین الملل و سال های پیشرفت و توسعه تکنولوژی در آثار معماری به شمار میرفت. معماری این دوره تغییر اساسی در طرز تفکر معماران داخلی، عملکرد و تکنولوژی ساخت ایجاد کرد و دیگر رفته رفته معماری ایران با گذشته خود فاصله بسیار گرفت. این فاصله از نظر برونگرایی عملکردی و بلندمرتبه سازی اقدام جدیدی بود که تا آن زمان توان ساخت چنین بناهایی در ایران وجود نداشت. نمونه های کاملی از معماری مکعبی به سبک بین الملل چون هتل هیلتون (استقلال کنونی) به طراحی راگلان اسکوائر حیدر غیایی و جمعی از معماران ایرانی و نیز ساختمان مرکزی بانک سپه به طراحی هوشنگ سیحون نمونه های عالی این سبک در معماری معاصر ایران به شمار می روند. ساخت این بناها با توجه به رشد درآمدهای نفتی، حضور و نفوذ آمریکا در ایران در عرصه های اقتصادی و سیاسی امکان پذیر شده بود. کمرنگ شدن نقش معماران خارجی چون آندره گدار ماکسیم سیرو، رولان مارسل دویرول در معماری ایران با جایگزینی معماران ایرانی چون هوشنگ سیحون، عبدالعزیز فرمایان و محسن فروغی در عرصه آموزش معماری و ساخت بناهای دولتی و خصوصی همراه بود. در زمینه چاپ مجلات معماری پس از توقف چاپ مجله آرشیکت در سال ۱۳۲۷، سیزده سال بعد در سال ۱۳۴۰ مجله "معماری نوین" به سرپرستی وارطان هاوانسیان شروع به کار میکند و در سال ۱۳۴۱ مجله دیگری به نام "هنر و مردم" با هدف آشنا کردن عامه مردم با فرهنگ و هنر ایران منتشر می شود و سومین مجله با عنوان "هنر و معماری" در سال ۱۳۴۸ توسط عبدالحمید اشراق انتشار می یابد.

سال های پایانی ۱۳۵۷-۱۳۴۲

دهه ۱۳۴۰ دهه بسیار مهمی در همه زمینه های فرهنگی و هنری به حساب می آید. در بهمن سال ۱۳۴۱، مدرنیزاسیون از بالا (دولت و طبقه حاکم) در دستور کار قرار می گیرد. دولت بر آن می شود که چهره ای از جهش و توسعه اقتصادی را مطرح کند که همسو و هماهنگ با دگرگونی های جهان سرمایه داری در سال ۱۹۶۰ باشد. در این دوره با افزایش مهاجرت از روستاها به شهر موضوع تولید مسکن انبوه به یک نیاز جدی در عرصه معماری و شهرسازی بدل شد. در پاسخ به این نیاز برنامه ریزی دولت به توسعه کلانشهرها و طرح های انبوه سازی مسکن و طراحی شهرک های اقماری متوجه شد. در این دوران ملکه جدید ایران "فرح پهلوی هم خود و هم از طریق رئیس دفترش سید حسین نصر یا از طریق رضا قطبی از عوامل تأثیرگذار بر روشنفکری دهه چهل بود. به خصوص پس از تأسیس دفتر مخصوص فرح؛ او به عنوان یک کارفرمای آگاه بر معماری روز در زمینه هنری و بعضی از طرحهای عمرانی فعالیت داشت (ثبات ثانی، ۱۳۹۱: ۵۰). جستجوی راه حلی برای بحران هویت در عرصه معماری سبب شد در شهریور ۱۳۴۹ نخستین کنگره بین المللی به نام امکان پیوند معماری سنتی با شیوه های نوین ساختمانی برگزار شود. دومین کنگره بین المللی در سال ۱۳۵۳ در شیراز با عنوان "نقش معماری و شهرسازی در کشورهای در حال صنعتی شدن" و پس از آن یکی از منحصربه فردترین کنگره ها با عنوان کنگره ملی زنان معمار جهان در سال ۱۳۵۵ در رامسر برگزار شد. طی این سال ها حضور معماران خارجی شامل معماران مشهور بین المللی که از طریق تبلیغات یا کنگره های بین المللی با معماری ایران آشنا شده بودند و نیز شرکت ها و مهندسين متعدد در همکاری با معماران ایرانی در پروژه های بزرگ می شود. در این دوران معماران برجسته ایرانی از جمله، هوشنگ سیحون، علی سردار افخمی، نادر اردلان، کامران دیبا و حسین امانت گونه ای نوین از معماری مدرن ایرانی را بنا می نهند. قبادیان این نوع معماری را که در آن "سنت و نوگرایی همتراز یکدیگر در طرح کالبدی بنا لحاظ شده است" معماری نوگرایی ایرانی می نامد.

عوامل تأثیرگذار بر معماری در دوره ۱۳۵۷-۱۳۲۰.ش. ایران:

معماری در سال های ۱۳۵۷-۱۳۲۰.ش. ایران پیشرفت کمی و کیفی قابل ملاحظه ای داشته است. در این میان عوامل متعددی دیگری نیز بودند که به یاری این پیشرفت آمدند، مانند : نقش معماران خارجی، دانشکده های معماری، معماران ایرانی فارغ التحصیل خارج و.... تأثیرات این عوامل را می توان در صورت معماری این دوره چه از نظر حجمی، فرم، تکنولوژی و استفاده از استعاره های معماری گذشته ایران با خیال خاص طراح در پروژه های سال های ۱۳۵۷-۱۳۲۰.ش. ایران مشاهده نمود. شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجادشده، به علاوه تأثیرات عوامل در دامن شرایط و موقعیت مورد بررسی اتفاق افتاده. این تأثیرات هم وزن هم نبوده و بعضی تأثیر بیشتری نسبت به دیگر عوامل داشته اما به عنوان عواملی که در این مقاله بحث این نیست که وزن کشی صورت گیرد و یا میزان تأثیرگذاری بررسی شود، صرفا مؤثر بودن بیان می شوند.

نگارندگان: محسن حاج محمدی/ محمد علی حصارشکن